

علیه "گروه های ضربت محلات" بمیدان بیائیم!

برای کنترل محلات دست بکار شویم!

حجاب بیرق جنبش اسلامی!

حجاب اسلامی، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی

صفحه ۴

آذر ماجدی

بحران آخر، تعزیه آخر

صفحه ۶

نادر شریفی

اعلامیه حزب حکمتیست

ماشین جنایت اسلامی را درهم شکنیم!

نادر مختاری قربانی دیگر!

دولت را موظف کنیم!

اعتصاب کامیون داران کرج

دوم مهرماه با فراخوان اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور، رانندگان کمپرسی کرج دست به اعتصاب زدند. مطالبات رانندگان عبارتند از:

* افزایش متوسط ۴۰ درصدی کرایه بار * پرداخت مجدد ۵۰ درصد حق بیمه رانندگان کامیون از سوی دولت * رفع مشکل حقوق بازنشستگی رانندگان * تجدیدنظر در شرایط "سخت و زیان آور" لحاظ شدن شغل رانندگی * تأکید بر تسریع در تخصیص ارز رانندگان ترانزیتی * رفع بی‌عدالتی در توزیع بار و جلوگیری از گسترش واسطه‌گری در پایانه‌ها * توزیع لاستیک با نرخ مصوب در پایانه‌های بار و برخی شهرها * درخواست محاسبه کرایه کامیون بر اساس تن-کیلومتر * مطالبه رانندگان بابت نوسازی ناوگان و منطقی شدن قیمت کامیون.

۵۶۲

مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۴ مهر ۱۳۹۹ - ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰

بحران سرنگونی

فضای حاکم بر جامعه، روحیه اعتراضی و آمادگی روانی برای خیزشی دیگر، حکومت اسلامی را دچار وحشت عمیقی کرده است. رژه عصبی چماقداران موتور سوار در خیابانها، استقرار واحدهای نظامی در گوشه و کنار شهر، استقرار گروههای ضربت در محلات، آماده باش نیروهای سرکوب و ضد شورش، اجرای مرتب احکام اعدام، گسترش اعمال فشار و تهدید روزافزون فعالین سیاسی، اساس سیاست حکومت برای جلوگیری از سرریز کردن اعتراضات کارگری و توده ای است.

سیاست "می زنیم و می مانیم" در هر شرایطی جواب نمی دهد و اطمینان خاطری برای رفع "خطر" از روی سر نظام اسلامی فراهم نکرده است. قتل عام آبانماه، کشتن زندانیان زیر شکنجه و انداختن اجساد آنها در رودخانه و بیابان، تلاش برای اجرای احکام اعدام زندانیان دیماه ۹۶ و آبان ۹۸، تنها فضای جامعه را ملتهب تر و رابطه مردم با حکومت را آنتاگونیزه تر کرده است. نوید افکاری یکی از هزاران پرونده سببیت اسلامی است. شکنجه شدید و اعدام وی، پیامی به جامعه معترض و در حال انفجار بود. اعلام قتل نادر مختاری نیز موردی دیگر با همین هدف بود. واکنش و نفرت وسیع افکار عمومی در ایران و جهان به اعدام نوید افکاری و حمایت از زندانیان آبانماه، یعنی سیاست اعدام دیگر تأثیر تعیین

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بحران سرنگونی ...

کننده ای ندارد. توجیهات حکومتی از هر جناح نیز همین واقعیت را منعکس می کند.

در کنار میلیتاریزه کردن شهرها و محلات، حکومت اسلامی برای بال دیگر نظام و فامیل ها فضا و فرجه فراهم می کند. اصلاح طلبان، این اموات سیاسی متحرک، از خاتمی و کروی تا خوئیی ها و حجاریان جلو می آیند تا چهره خونین نظام شان را با بحث کسل کننده "انتخابات و مشارکت و قهر نکردن از صندوق رأی" بزک کنند. "انتخابات" سال آتی ریاست جمهوری برای این جناح پلاتفرمی شده که اینبار نه حتی از اصلاح طلبی حکومتی ورشکسته و تمام شده بلکه از نفس رئیس جمهور داشتن و "جمهوریت نظام" به زعامت خامنه ای دفاع کنند. برآستی که وقاحت سیاسی این جماعت حد و مرز نمی شناسد!

حال به برگزاری "دور دوم انتخابات مجلس اسلامی" در همین هفته نگاه کنید. دور اول این مضحکه با شرکت نکردن وسیع، سوزاندن و پاره کردن پوسترها در سطح گسترده و تهاجم به اماکن رأی گیری همراه بود و یک شکست سیاسی مفتضحانه حکومت بعد از رویدادهای آبانماه بود. در دور دوم در قیاس با دور اول، به روایت آمار حکومتی کاهش ۳۵ درصدی در مشارکت داشته اند. یکی از مسئولین از مشارکت کمتر از دو درصد و یک درصد و نسبت بیشتر آرای باطله به آرای قابل شمارش سخن گفت. موضوع بحدی افضح بود که سعی کردند بی سر و صدا از آن عبور کنند. اصلاح طلبان که در رویدادهای آبانماه برای سرکوب مردم کارگر و زحمتکش دوآتشه تر از تفنگداران خامنه ای بودند، از هم اکنون برای انتخابات ریاست جمهوری در سال آتی عنتربازی برای نظام را آغاز کردند.

بخش به خارج کشور آمده اصلاح طلبان همراه با همکاران شبه

اپوزیسیونی نیز بیکار ننشسته اند و در میان اینهمه مسائل واقعی جامعه ایران و جنایتهای جمهوری اسلامی، "موضوع مهمی" برای فعالیت سیاسی پیدا کرده اند. نامه شصت نفر از اصلاح طلبان به سازمان عفو بین الملل با عنوان "عفو بین الملل موظف به اصلاح گزارش خود است" و "اعاده حیثیت از میرحسین موسوی" مکمل تلاشهای داخل کشوری

شان است. این اقدام در این اوضاع عجیب بنظر میرسد. بخشی از این اینها جزو کسانی هستند که افرادی از خانواده شان توسط این حکومت به قتل رسیده است. اینکه به صرافت دفاع از میرحسین موسوی و "اعاده حیثیت" از وی افتاده اند، تنها منعکس کننده منفعت طبقاتی و آرمان مشترک جنبشی شان با نظام جنایتکار اسلامی و نخست وزیر محبوب خمینی جلاد است.

این نمایش اما زیادی تکراری و نخ نما شده است. در دیماه نود و شش به هر دو جناح مرتجع اصلاح طلب و اصولگرا "پایان ماجرا" اعلام شد. جامعه از این دو قطبی کاذب و دور باطل عبور کرد و در آبانماه به مرحله جدیتری وارد شد. بازگشت به عقب و تحمیل یک فراموشی جمعی غیر ممکن است. بدرجه ای که جمهوری اسلامی به جامعه و مردم بی ربط تر میشود، منادیان اصلاح این گنذاب اسلامی نیز مهجورتر می شوند. اینها از علائم تشدید بحران سرنگونی است که تلاطم در پائین، تحرک در بالا را تشدید می کند. امروز اعتراض و اعتصاب و تلاش برای سرنگونی به سیاست در بالا شکل میدهد. از درون حکومت پاسخی به بحران وجود ندارد. سرنگونی در دستور جامعه است. مسئله اساسی برسر رهبری و معنای سرنگونی است.

سردبیر.

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۰

بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه "گروه های ضربت محلات" بمیدان بیائیم!

برای کنترل محلات دست بکار شویم!

رویدادهای آبانماه ۹۸ اساساً حرکتی محله محور بود. طی این مبارزه انقلابی با حکومت، محلات زیادی در شهرهای بزرگ از کنترل نیروهای حکومتی خارج شد و بدست جوانان انقلابی افتاد. این ابتکار ماشین سرکوب را برای مدتی فلج کرد و امکانات زیادی را برای مقابله با نیروهای سرکوب در اختیار مردم گذاشت. خامنه ای قاتل بدنبال کشتار آبانماه، از ضرورت استفاده از تجارب "کمیته های اسلامی" در محلات بعد از قیام برای سرکوب مخالفین سیاسی سخن گفت. طرح استقرار نیروی ضربت در محلات، که فی الحال در تهران و شیراز و شهرهای بزرگ آغاز شده است، راه حل حکومت اسلامی برای ممانعت از شکلگیری مجدد اجتماعات اعتراضی و توده ای در محلات است. این طرحی برای میلیتاریزه کردن بیشتر جامعه و محیط کار و زندگی مردم، طرحی برای مقابله با خیزشهای توده ای قریب الوقوع علیه فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری است.

این طرح از آنجا که جوابی برای معضلات لاینحل حکومت اسلامی ندارد، محکوم به شکست است، اما باید آگاهانه شکستش داد. آماده باش و استقرار نیروهای سرکوب در مناطق و چهار راهها و محلات شهرهای بزرگ، گسیل یگان ویژه به کارخانه و مراکز کار برای مقابله با اجتماع و اعتصاب کارگری، رفتن به سمت یک نوع حکومت نظامی اعلام نشده است. از محیط زندگی تا کارخانه و مراکز کار را نظامی میکنند تا بخیال خود جلوی راه افتادن ارتش گرسنگی و بیکاری را بگیرند. سیاست سرکوب و اعدام را تشدید می کنند تا بخیال خود از شعله ور شدن آتش آبان دیگری ممانعت کنند.

سیاست ما راجع به طرح استقرار کمیته های ضربت در محلات، در درجه اول به شکست کشاندن این طرح است. دو رکن یک سیاست انقلابی بر شکست این پروژه و تعرض برای بدست گرفتن محلات مبتنی است. دفاع از خود یک حق مشروع است. مردم حق دارند در مقابل نیروی سرکوب و مزاحمت های آنان از خود دفاع کنند. مردم حق دارند که علیه نظامیگری در محل زندگی و کارشان دست به اعتراض زنند و نیروهای سرکوب را گوشمالی و فراری دهند. کمونیست ها، جوانان انقلابی، مخالفین رژیم اسلامی، ساکنین محلات، باید با ابتکارات مختلف عرصه را به نیروهای ضربت تنگ کنند. نباید در هیچ محله ای احساس امنیت کنند. باید آنها از ضربه خوردن بترسند و نه مردم. نیروهای ضربت را شناسائی و مشخصات آنها را منتشر کنید. آنها باید تحت فشار مستمر و تمسخر اهالی هر محل و هدف سنگ پراکنی جوانان باشند. شکست این طرح در قدم اول اعمال فشار و مقابله در اشکال مختلف با هدف بیرون راندن آنها از محلات و از محیط زندگی، و در قدم بعدی اعمال کنترل مستقیم توده ای و انقلابی خود مردم توسط شوراهای محلات است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، مردم انقلابی و آزادیخواه را به یک مقابله گسترده برای به بیرون راندن نیروهای ضربت از محلات و تلاش برای کنترل محلات فرامیخواند! واحدهای مقاومت و محافظت از محله را همه جا ایجاد کنیم و برای درهم شکستن واحدهای ضربت و کل ماشین سرکوب حکومت اسلامی آماده شویم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۰ - ۱ مهر ۱۳۹۹

اعلامیه حزب حکمتیست

ماشین جنایت اسلامی را درهم شکنیم!

نادر مختاری قربانی دیگر!

خیزش عظیم مردم در آبانماه آنچنان هراس مرگ را به جان رژیم اسلامی انداخت که تمام ماشین جنایت و کشتار خود را برای ارباب و انتقام گیری از مردم بپاخاسته بسیج کرد. کشتار در کف خیابان، زیر شکنجه در اسارتگاه و اعدام معترضین پاسخ این رژیم وحشی به تلاش مردم بجان آمده برای به زیر کشیدن بساط شکنجه و کشتار، فقر و فلاکت، ارتجاع و تعفن اسلامی است. این رژیم را باید به زیر کشید.

نادر مختاری جوان ۳۵ ساله ساکن کرج آخرین نام در لیست قربانیان آبانماه است. نادر بدنبال ضربات باتوم بر سرش در زندان کهریزک وارد گما شد و چند ماه در گما بسر برد؛ خانواده اش پس از یکماه او را در بیمارستان شهدای شهر ری پیدا کردند. نادر پس از چند ماه بهوش می آید و رژیم اسلامی، علیرغم مخالفت پزشکان و خانواده او را به زندان کهریزک منتقل می کنند. به دلیل وخامت شدید حال و عدم رسیدگی پزشکی لازم نادر در روز شنبه ۲۹ شهریور جان باخت.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست درگذشت نادر مختاری را صمیمانه به خانواده، دوستان و مردم بجان آمده تسلیت می گوید. این وحوش اسلامی زبانی جز خشونت، قتل و جنایت نمی شناسند. جمهوری اسلامی خوب می داند که بر دریایی از نفرت و بیزاری جامعه نشسته است؛ آگاه است که مردم در کمین اند تا تمام این دستگاه مرگ و سرکوب را درهم شکنند؛ می داند که زمان مرگش فرا رسیده است. لذا خود را برای آبنامی دیگر آماده می کند.

سازماندهی گروه های ضربت تدارکی پیشگیرانه برای مقابله با خیزش دیگری است که نجوهای آن در گوشه و کنار جامعه به گوش می رسد. مردم نیز باید برای مقابله با یورش و موج دیگری از سرکوب های خونین رژیم آماده شوند. ما این کشتار را بی جواب نخواهیم گذاشت. باید این رژیم منحوس را به زیر کشیم و کلیه دست اندرکاران را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۰ - ۱ مهر ۱۳۹۹

حجاب بیرق جنبش اسلامی!

حجاب اسلامی، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی

آذر ماجدی

دو روز پیش اجبار حجاب در بخشی از عربستان سعودی، بجز دو شهر مکه و مدینه، لغو شد. همزمان با خبر لغو اجبار حجاب در عربستان سعودی بحثی در شبکه چهار تلویزیون جمهوری اسلامی در مورد اجبار حجاب بنفع یا بضرر اسلام است انجام گرفت، شرکت کنندگان در مناظره نظر می دادند که "حجاب اجباری" بضرر اسلام دارد تمام می شود.

حجاب سمبل و پاشنه آشیل اسلام

با عروج جنبش اسلامی در چند دهه اخیر، بویژه با قدرتگیری اسلامیست ها و اجباری شدن حجاب اسلامی در ایران، که موجد یک جنبش وسیع آزادی زن و ضد اسلامی در ایران شد، بحث حجاب اسلامی در راس مباحثات جنبش حق زن در سطح بین المللی قرار گرفت. حاکم شدن سیاست جنگ تروریست ها مبحث حجاب اسلامی را حتی داغتر و بحث برانگیزتر نمود. حجاب به یک مساله مهم سیاسی نه تنها در جنبش حق زن، بلکه در جنبش "ضد امپریالیستی"، ضد راسیستی و سکولاریست چپ و راست ارتقاء یافت. جایگاه حجاب اسلامی عملاً از یکی از شعارات اسلام به مهمترین سمبل اسلام و بیرق جنبش اسلامی تغییر یافت.

از یک سو جنبش آزادی زن، بویژه در ایران حجاب اسلامی را بعنوان یک سمبل فرودستی و بیحقوقی زنان هدف گرفت؛ در غرب جنبش سکولاریست بر لزوم لغو اجبار به رعایت حجاب اسلامی تاکید گذاشت؛ اما طی دو دهه اخیر تحت حاکمیت سیاست جنگ تروریست ها، راسیسم علیه مسلمانان رشد کرد و حجاب اسلامی به مهمترین هدف حمله راسیستی تبدیل شد که جنبش سکولاریست راست نیز در آن شریک گردید. از سوی دیگر مقابله با سیاست های میلیتاریستی و تروریسم دولتی بسیاری از زنان را به سر کردن حجاب بعنوان مقابله با "امپریالیسم" آمریکا و غرب و اعتراض به سیاست های میلیتاریستی قطب تروریسم دولتی، حتی دفاع از حق مردم فلسطین سوق داد. باین ترتیب حجاب به یک مساله سیاسی مهم و بحث برانگیز نه تنها در کشورهای اسلام زده بلکه در سطح جهان بدل شد.

یکی از برندگان و مبلغین این سیاست وارونه "ضد امپریالیستی" جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی نقش مهمی در حاکم شدن مبحث نسبیت فرهنگی و اسلاموفوبی داشته است. فعالیت سیاسی مستمر زیرکانه، صرف میلیون ها دلار برای تبلیغات اسلامی، ایجاد یک جریان لابی ایست از جمله فعالیت های جمهوری اسلامی بوده است. تلاش رژیم اسلامی و جنبش اسلامی برای گروگان گرفتن وجدان انسان های ضد راسیست که با حملات راسیستی به مسلمانان مخالف هستند، موفقیت آمیز بوده است؛ نه تنها بر نقش حجاب اسلامی بعنوان یک ابزار مهم سرکوب و ستم بر زنان، و همچنین عقب کشیدن و ایجاد

اختناق در کل جامعه خاک پاشیده شد، بلکه بعضاً به سمبل عصیان و اعتراض بدل شده است.

شل شدن حجاب اسلامی در عربستان سعودی

عربستان سعودی یک جامعه بسیار محافظه کار و اسلام زده است. تا پیش از بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی عربستان سعودی بعنوان مهمترین سنگر اسلام شناخته می شد. ثروت عظیم حاصل از نفت، برخورداری از حمایت کامل دولت های غربی و برخورداری از شهرت "قبله اسلام" عربستان سعودی را در جایگاه مهمترین قدرت اسلامی قرار داده بود. عربستان سعودی پیش از این بعنوان مهمترین صادر کننده اسلام شناخته می شد. بسیاری از مساجد و مدارس اسلامی توسط این کشور در غرب ایجاد شده است.



قدرتگیری جمهوری اسلامی در ایران، که طبق تقسیم ژئوپلیتیک جهان در حیطه غرب قرار داشت و از نظر اجتماعی مدرن تر و "غربی" تر بود، عملاً حمله ای سیاسی - فرهنگی به عربستان سعودی محسوب می شد. بعلاوه، شعارها و تصویر "ضد آمریکایی" - "ضد امپریالیستی" آن و اعلام دشمنی با اسرائیل موقعیت آنرا در خاورمیانه و کشورهای اسلام زده متحول کرد. جمهوری اسلامی نقش مهمی در شکل دادن به جنبش اسلامی در منطقه در دهه های اخیر داشته است. بویژه در دو دهه اخیر رقابت میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی بشدت شدت یافته است. هر دو حکومت برای کسب مقام قدرت منطقه با یکدیگر رقابت می کنند. با بقدرت رسیدن محمد بن سلمان، پسر شاه عربستان سعودی، در دهه اخیر این جنگ قدرت تعمیق شده است. تلاش برای "مدرنیزه کردن" عربستان سعودی بعنوان یکی از سیاست های این دیکتاتور جوان لانس می شود. ظرف دو سه سال اخیر برخی از قوانین متحجر اسلامی تلطیف شده است. دادن حق رانندگی به زنان و اکنون برداشتن اجبار به رعایت حجاب اسلامی در صورت پوشیدن لباس پوشیده دو اقدام در این جهت است. این اقدامات تلاشی است برای تغییر ایمیج عربستان سعودی در جهان و ادغام شدن در جامعه بین المللی، بویژه پس از فشارهای جهانی بر عربستان سعودی بدنبال قتل و تکه تکه کردن جسد جمال خاشقچی در سفارت این کشور در ترکیه. این اقدامات ضمناً پیش درآمد برقراری مناسبات دیپلماتیک با اسرائیل است که تاکنون به تشویق عربستان سعودی چند کشور منطقه به آن مبادرت کرده اند.

قطعا لغو هر قانون و محدودیت اسلامی قدمی است بجلو. لیکن باید توجه داشت که این اقدامات در کشور عمیقاً اسلام زده عربستان سعودی و تحت حکومت قبیله ای که توسط استعمار انگلستان بقدرت رسیده و در قدرت لم داده است، بدون یک جنبش وسیع اجتماعی برای مقابله با ارتجاع، تحجر و عقب ماندگی نقش چندان تعیین کننده ای در تغییر موقعیت زنان و ایجاد تحول اجتماعی در جامعه نخواهد داشت.

حجاب اسلامی و جمهوری اسلامی

موقعیت جمهوری اسلامی اما متفاوت است. جمهوری اسلامی در نتیجه شکست یک انقلاب مهم سیاسی بقدرت رسید. لذا نقش ایدئولوژی اسلامی برای حفظ قدرت برای جمهوری اسلامی از نان شب

برخی قوانین اسلامی موقعیت خود را درون جامعه و در سطح بین المللی تحکیم کند؛ در مورد جمهوری اسلامی شرایط کاملاً متضاد است. هر گونه تلطیف یا شل شدن قوانین اسلامی، تاجر اسلامی، حجاب اسلامی و اختناق اسلامی بمعنای سقوط این نظام است.

اصلاح طلبان حکومتی و آش نذری اصلاحات

باید منتظر باشیم تا این نوکران رژیم اسلامی بحث "لغو حجاب اجباری" را که تاکنون در مباحث جنبش حق زن یا توسط "کنشگران اصلاح طلب حوزه زنان" طرح می شد را به درون ارگان های حکومتی ببرند؛ از تلویزیون بحث و مناظره پخش کنند؛ در تلویزیون من و تو و آیت الله بی بی سی و صدای آمریکا و قس علیهذا به بحث بگذارند و بکشند برای یک دوره دیگر مردم را مشغول کنند. در انتظار باشیم تا "کنشگران اصلاح طلب زنان" برای این اصلاحات بار دیگر آش نذری بپزند؛ در رسانه های طرفدار رژیم در خارج کشور از عربستان سعودی مثال بیاورند؛ اعلام کنند اگر عربستان سعودی می تواند چنین قانونی تصویب کند، چرا رژیم اسلامی نتواند؟

باید هشیار بود! خلاصی فرهنگی به هر میزان، و هر ذره از کسب حقوق زنان و مقابله با قوانین و تاجر اسلامی فقط و فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی امکانپذیر است. باید حجاب اسلامی و حجاب اختناق اسلامی را هر دو با به زیر کشیدن اسلام از جامعه حذف کنیم. مردم اصلاح طلبان حکومتی را خوب می شناسند؛ اما اسلامیت ها از هر نوع بسیار زیرک و دغل بازند. مقابله با تمهیدات رژیم چه اصلاح طلب چه اصولگرا یکی از وظایف ما کمونیستهای رادیکال کارگری و فعالین رادیکال جنبش آزادی زن است.

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۰

**ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست،
مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از
این نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف
تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال
هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به
ملیت خاصی گروید و یا از آن برید.**

منصور حکمت

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

حجاب بیرق جنبش اسلامی!

حجاب اسلامی، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ...

واجب تر بوده است. رژیم اسلامی از بدو قدرتگیری یک حمله همه جانبه سیاسی - ایدئولوژیک به جامعه را آغاز کرد. حمله به زنان در راس این استراتژی بود. حجاب اسلامی عملاً به بیرق سیاسی این رژیم بدل شد و آپارتاید جنسی به یک ستون محکم حاکمیت. طی چهار دهه اخیر مبارزه بر سر حجاب اسلامی یک وجه دائمی سیاست در جامعه بوده است. مقابله با حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی به دو خواست اصلی جنبش آزادی زن و جنبش خلاصی فرهنگی بدل شده است. هجوم به زنان بی حجاب یا "بد حجاب" یک رکن اصلی سرکوب و اختناق این رژیم است. مساله حجاب اسلامی هیچگاه در جامعه ایران حاشیه ای نشد.

تلاش اصلاح طلبان حکومتی و جنبش زنان این جریان برای تلطیف حجاب اسلامی یا لغو اجباری بودن آن پاسخی دفاعی در مقابل جنبش آزادی زن و خواست نسل جوان برای خلاصی از این تاجر و سرکوب اسلامی بوده است. در چند سال اخیر بدنیاال اوچگیری جنبش اعتراضی توده ای و بویژه از دیماه ۹۶ اصلاح طلبان حکومتی در ابتدا برای حفظ نظام و پس از ناامیدی از حفظ این رژیم برای حفظ قدرت راست و سرمایه داری در جامعه میبخت لغو "حجاب اجباری" را علم کرده اند. تلاش هایی که در ابتدا مورد توجه بخشی از جامعه قرار گرفت و اکنون دیگر رنگ باخته است. به انحاء مختلف کوشیدند که مبارزه با حجاب اسلامی را به لغو "حجاب اجباری" تقلیل دهند؛ کوشیدند که با ایجاد یک اصلاح کل اسلام را از نابودی نجات دهند. تلاش کردند جنبش حق زن را دنیال نخود سیاه بفرستند. "لغو حجاب اجباری" کاریکاتور مبارزه برای آزادی زن و رهایی از حجاب اختناق اسلامی است. قوطی بگیر و بنشان دادن بدست نسل جوانی است که از اسلام و رژیم اسلامی بیزار است.

رژیم اسلامی قادر نیست خود را از حجاب اسلامی خلاص کند. تصور جمهوری اسلامی بدون حجاب امکانپذیر نیست. این رژیم تنها به یمن ایدئولوژی گنبدیده و متعفن اسلامی قادر است به حیات خود ادامه دهد. لذا این تصور که می توان تحت جمهوری اسلامی حجاب را لغو کرد یک اشتباه و توهم بزرگ است که توسط اصلاح طلبان حکومتی نشو و نما می شود.

برنامه تلویزیونی درباره حجاب اسلامی و خاصیت لغو اجباری بودن آن ترفندی از این نوع است. قرار است مردم را سر کار بگذارند؛ این شائبه را ایجاد کنند که جمهوری اسلامی اصلاح پذیر است؛ می توان جمهوری اسلامی بدون حجاب؛ کمتر اسلامی و کمتر ضد زن داشت. این از تزه های محالی است که جناح اصلاح طلب حکومت همراه با عروج جنبش دو خرداد کوشیده است در جامعه رواج دهد. اما مردم با شعار "اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" پاسخ روشن و سر راست خود را به این تمهیدات دادند.

اگر عربستان سعودی ممکن است با تلطیف تاجر اسلامی و شل کردن

بحران آخر، تعزیه آخر

نادر شریفی



انداختن جنگ با عراق و استقبال از آن، با کشتار و قتل عام کمونیستها و آزادیخواهان، با سرکوب خونین یک انقلاب و حمایت از جریان اسلامی توانستند یک تلاش تاریخی دیگر برای کسب آزادی را منکوب کنند. بدین طریق ۲۲ بهمن که روز قیام مردم علیه حکومت سلطنتی بود و در برنامه جریان اسلامی و متحدین آن نبود، روز پیروزی "انقلاب اسلامی" نام گرفت.

انقلاب در فقدان ابزارهای ضروری برای یک پیروزی کارگری از جمله در فقدان احزاب کارگری کمونیستی و تفوق یک افق سیاسی متمایز بخون کشیده شد و یکبار دیگر جامعه پیاخته و جویای آزادی را به بند کشیدند. نتایج بقدرت رساندن ارتجاع اسلامی پس از چهل و دو سال حکومت ننگین بر کسی پوشیده نیست! انهدام یک جامعه؛ از اعدام و قتل عام بیش از صد هزار کمونیست و آزادیخواه، تحمیل بی حقوقی مطلق به نیمی از جامعه، تشدید فقر و گسترش حاشیه نشینی، بیسوادی وسیع و روانه کودکان به بازار کار و خیابان، بی خانمانی و گورخوابی و بی سرپناهی، تبدیل اعتیاد و تن فروشی به یک صنعت سودآور، تحمیل زندگی زیر خط فقر به اکثریت جامعه و ناچار کردن میلیونها نفر به مهاجرت.

در همین سالها بود که در سطح جهانی در شیپور شکست و "پایان کمونیسم" دمیدند. حکومت در مناسبتهاى مختلفی از جنگ تا تحولات جهانی وقت خرید، اما نتوانست بعنوان یک حکومت مورد قبول جامعه خود را جایاندازد. جامعه در هر فرصتی ساز مخالفت زد، بار دیگر اعتراض و اعتصاب مشخصه سیاست شد، بار دیگر جامعه و نسلی دیگر برای تغییر بمیدان آمد. اینبار بیشتر از هر دوره کارگر بعنوان یک جنبش و کمونیسم بعنوان یک افق مطرح شد. گویی آنهمه کشتار و قتل عام علیه کارگر و کمونیسم تنها موجب قد برافراشتن قویتر این جنبش شده است. همانطور که انتظار میرفت، حکومت ارتجاع اسلامی سرمایه، جوابش به سرنگونی خواهی و مطالبات کارگری سرکوب و گلوله و زندان و اعدام بود. ماشین آدم کشی توسعه یافته و مدرنیزه شده بکار افتاد تا جلوی خیزشهای انقلابی بایستد. تاریخ تکرار شد، تنها پرسوناژهای جلو صحنه عوض شدند، آخوند و پاسدار و نیروس انتظامی و اطلاعاتی جای شاه و ساواک و پلیس و شهربانی را گرفتند، داستان اما همان بود؛ سرکوب برای بقا! قتل تظاهرکنندگان در آبانماه با تک تیراندازهای آموزش دیده گارد ویژه و کشتاری آنچنان مهیب هنوز نتوانسته وحشت کافی ایجاد کند. لذا اینبار حکومت نظامی را به درب منازل آوردند، نیروهای سرکوب را در محلات و همه جا مستقر کردند. اینها زودتر از شاه "صدای انقلاب" را شنیده بودند و بازی اصلاح طلبی را آغاز کردند. این پرده از نمایش اصلاح طلبی البته مدتی وقت خرید اما دستکم این خاصیت را داشت که ریشه این تصور را بزند که لجنزار را نمیشود اصلاح کرد بلکه باید لایروبی کرد. اینکه اصلاح طلب در این نوع نظامها یعنی مدافع ارتجاعی ترین و خونخوارترین حکومت و قوانینی که تاریخ جوامع بشری بخود دیده است. ادعای اصلاح طلبی اسلامی، از جنس ادعای "صدای مردم" را شنیدن در رژیم پهلوی است، همانطور که حکومت اسلامی ادامه حکومت سلطنتی است، همانطور که در طول تاریخ این جامعه اسلام و ناسیونالیسم، شاه و آخوند، سلطنت و دستگاه دین، همدیگر را توجیه کرده اند. ایران امروز به آخر این مسیر نزدیک شده است.

به یاد می آورید آخرین ماههای حکومت پهلوی را؟ "خطبه" امام جمعه وقت تهران را که بدستور مستقیم شاه و وزارت امنیت اش از طریق تلویزیون رسمی ایران پخش شد؟ بیاد می آورید آخرین سخنرانی های محمد رضا پهلوی را که به تعزیه و تناثرهای روحی "مظلوم نمایانه" بیشتر شباهت داشت تا سخنرانی "سایه خدا" روی زمین؟ او از یک طرف تلاش داشت با آمریکا که با کودتا وی را سر کار آورده بود برای ادامه حکومتش چانه زند و از طرف دیگر رو به مردمی که در تظاهراتها شعار "مرگ بر شاه" سر می دادند و حکومت استبدادی- پادشاهی نمی خواستند، می گفت: "مردم صدای انقلاب تان را شنیدیم" و وعده رفرم و مشروطه میداد.

اینها را محمد رضا پهلوی وقتی گفت که سیل انقلاب جاری شده بود و تا آنزمان نیروهای سرکوب و حکومتهای نظامی مخالفین و انقلابیون زیادی را اعدام و روانه "بهشت زهرا" ها کرده بود. او وقتی "صدای مردم را شنید" و به عجز و لایه افتاد که دیگر دیر شده بود و جز عده قلیلی جیره خوار حکومتی، کسی "شانسی" برای بقای نظام سلطنتی نمی دید و فروپاشی آن برای همگان عیان شده بود. دولتهای غربی هم متوجه شده بودند که دیگر نمی توانند از حکومت سلطنتی حمایت کنند چون مسجل شده بود که شاه رفتنی است. در روایات کودتای ۲۸ مرداد، تاریخ نویسان مدعی اند که CIA با هزینه ای نزدیک به دویست هزار دلار، حکومت مصدق را ساقط، چاقوکشانی مثل شعبان بی مخ و مشتئی فاسد را برای بازگرداندن شاه به خیابانها فرستاد و دست آخر حکومت پهلوی را دوباره برسر قدرت نشانند. اینبار اما نخواستن جامعه قویتر و وسیع تر از آن بود که با فرستادن مشتئی چاقوکش و چماقدار جامعه را به عقب برانند. دویست هزار دلار که هیچ، با حکومت نظامی و بیست میلیارد دلار سرمایه گذاری روی یک کودتای دیگر هم نمی شد حکومت شاهنشاهی را حفظ کرد! برای همین برای تغییر از بالا و کنترل انقلاب دست به کار شدند، نقشه ریختند که چگونه از نظم سرمایه در این تحول دفاع کنند، کنفرانس گوادلوپ تشکیل دادند و پشت جریان اسلامی رفتند. قید محمد رضا پهلوی ژاندارم منطقه را زدند و برای انقلاب مردمی رهبر تراشیدند. خمینی و جریان مرتجع اسلامی را یافتند، وی را زیر درخت سیب در نوفل لوشاتو جلوی دوربینها نشانند و با تبلیغات گسترده از وی یک "رهبری انقلاب" ساختند! جوانان و آزادیخواهان در آندوره آخوندها را بعنوان قشری واپسگرا مسخره و برایشان جوک می ساختند! ناگهان آخوندها این طفیلی های حاشیه ای جلو صحنه سیاست آمدند و خمینی شد "رهبر انقلاب" ضد سلطنتی! نتوانستند با سرکوب و حکومت نظامی مبارزات انقلابی را متوقف کنند لذا با تغییر مهره ها راه و مسیر آن را تغییر دادند تا در پیچ بعدی آنرا به مسلخ ببرند.

اگرچه همه چیز مطابق نقشه و میل آنها پیش نرفت اما بالاخره با راه

بحران آخر، تعزیه آخر ...

حکومت اسلامی هم همانند حکومت سلطنتی، مرتباً ویتزین و جلوی صحنه را تغییر داد. کابینه ها آمدند و رفتند، اسامی رمز و شخصیت های متعددی فضا را اشغال کردند و نقش شان را برای بقای نظام ایفا کردند، اما سرکوب و فقر و اختناق سهم کمابیش ثابت جامعه بود. محکوم کردن چند نسل به بردگی و فقر و بی آیدگی محصول مشترک شان بود. دنیا و منطقه خاورمیانه هم تغییرات زیادی را از سر گذرانده بود، دیکتاتوری های قدیم طی تحولات فروپاشیدند و دیکتاتوری های سرمایه در اشکال جدیدی ظاهر شدند. در ایندوره بی شکلی و بحران اسلام سیاسی و جنبش تروریستی اسلامی یکی از مطلوب ترین اشکال حکومتی برای عقب راندن جامعه لاقبل بصورت موقت شد. اما خیزش های توده ای و کارگری برای تغییر بناچار ادامه یافت. خواست آزادی و برابری و رفاه و کسب حقوق انسانی که اینبار روشن تر از هر زمانی در سوسیالیسم خلاصه میشود، یک افق واقعی رهائی جامعه است.

بار دیگر زمین زیرپای دیکتاتوری اسلامی سرمایه داغ شده است. بار دیگر سرنگونی به بستر اصلی سیاست در ایران بدل شده است. بار دیگر تحولات ریز و رو کننده به نیاز جامعه و به دستور روز رانده شده است. بار دیگر صدای انقلاب وحوش اسلامی و دیکتاتوری سرمایه را تهدید می کند. بار دیگر جامعه در تلاشی خونین برای خلاصی از شر یکی از وحشی ترین و خونخوارترین حکومتها در تاریخ بشری است. بار دیگر حکومتی ها با یک پا با ثروت های تاراج شده می گریزند و پای دیگرشان را با شلیک گلوله و اعدام روی گلوی کارگران و مردم معترض نهاده اند و هر روز میدان ژاله جدیدی خلق می کنند. جامعه ایران یکبار دیگر آستن تغییر است. اینبار اما داستان فرق می کند. اینبار در جهانی با مشخصات کنونی بسادگی نمی توان خمینی دیگری را بر تخت نشاند. اینبار انقلاب در ایران و هر تغییر واقعی با کارگر و کمونیسم گره خورده است. سرنگونی انقلابی نظام اسلامی قدم اول و پیش درآمد انقلاب اجتماعی عظیمی است که رهائی سوسیالیستی معنی پیروزی آنست. تداوم وضع موجود ممکن نیست، ایران در دو راهی بربریت سرمایه و رهائی سوسیالیستی است. راه سومی وجود ندارد. باید برای این پیروزی و نبردهای تاریخ ساز آمده شد.

علیه اعدام اعتراض کنیم

اعدامهای سریال در زندانهای ایران

زندان رجایی شهر کرج، اعدام شش زندانی سررگه چهارشنبه ۲ مهرماه، حکم اعدام یک زن زندانی، مهتاب شفیعی ۳۲ ساله بعد از تحمل هفت سال زندان در زندان رجایی شهرکرج به اجرا درآمد. در اینروز مهتاب شفیعی و پنج مرد زندانی اعدام شدند.

زندان شیپان اهواز،

چهار زندانی بنامهای علی مطیری، حسین سیلاوی، علی خسرجی و علی مجدم برای اعدام به مکان نامعلومی انتقال یافتند.

زندان سنندج،

حیدر قربانی، چهل و هفت ساله، در خطر اعدام قرار دارد. حیدر قربانی که با اتهام قیام مسلحانه علیه اساس نظام به اعدام محکوم کرده است. حیدر قربانی تحت شکنجه به اعترافات وادار شده است.

ارومیه،

چهار زندانی به قطع انگشتان دست محکوم شدند. عفو بین الملل عنوان کرده است که هادی رستمی (۳۳ ساله)، مهدی شریفیان (۳۷ ساله)، مهدی شاهپوند (۴۲ ساله) و کسری کرمی (۴۰ ساله) با اتکا به "اعترافات اجباری" به این حکم غیر انسانی محکوم شده اند.

اعدام قتل عمد دولتی است!

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

یا کار یا بیمه بیکاری!

بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفیتی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!